

نبرد غزه

جنگ مقاومت و تروریسم

غزه به بازداشتگاهی برای دو میلیون انسان تبدیل شده است!



معتز الخطیب

پژوهشگر روش‌شناسی و فلسفه اخلاق در مرکز حقوق و اخلاق اسلامی دانشگاه حمد بن خلیفه



حمیدرضا تمدن

مترجم دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشگاه امام صادق. پژوهشگر تاریخ فقه و اندیشه اسلامی معاصر

سال ۲۰۰۶ در نوار غزه انجام می‌دهد و این باریکه را به یک «بازداشتگاه» برای بیش از دو میلیون نفر در نوار غزه تبدیل کرده است. همان‌طور که هانا آرنت می‌گوید، «بازداشتگاه به مثابه نهادی مرکزی برای قدرت‌های سازمان یافته رژیم‌های تمامیت خواه است»، اما نمونه‌ای که رژیم اسرائیل در غزه به نمایش گذاشته، همان‌طور که قبلاً بارها نشان داده است، می‌تواند بهترین نمونه نقض برای آن دسته از تحلیل‌هایی باشد که معتقدند وجود دموکراسی به تنهایی برای کاستن از تروریسم دولتی کافی است. تروریسمی که رژیم به‌ظاهر دموکراتیک اسرائیل علیه مردم سرزمین اشغال شده انجام می‌شود، درست بر پایه‌ی گونه‌ای از نژادپرستی است که بر شانه‌های اندیشه‌ی مهدورالدم دانستن مردم ایستاده است، بدین صورت که آن‌ها را از زمره انسانیت خارج کرده یا از نظر نژادی یا مذهبی پست‌ترمی‌پندارد؛ این همان چیزی است که در آلمان نازی هم شاهد آن بودیم.

هیچ توافقی در مورد تعریف «تروریسم» از نظر حقوقی یا حتی سیاسی وجود ندارد، پیش‌تر در مورد «راهبرد ابهام» در زمینه تروریسم صحبت کرده‌ام و باید بگویم که این استراتژی درباره‌ی پدیده تروریسم آگاهانه پی گرفته می‌شود. این راهبرد چنین است که طرح اتهام تروریسم با منافع قدرت‌های بزرگ هم‌سو بوده و هر اقدامی که به نفع آن‌ها باشد مشروع تلقی شده، و در مقابل هرگونه اقدامی که مخالف منافعی باشد نامشروع دانسته می‌شود. اما شایان توضیح است که دو عنصر

تأمین می‌شود.

تروریسم شکل‌های گوناگونی دارد، اما برجسته‌ترین گونه آن «تروریسم دولتی» است که اکنون باید بر روی آن متمرکز باشیم. برخی از فیلسوفان به تروریسم «دولت‌توتالیتر» پرداخته‌اند. همان‌طور که هانا آرنت می‌گوید، این نوع تروریسم از دیگر گونه‌های خشن‌تر و خطرناک‌تر بوده و هسته اصلی سلطه تمامیت خواه به شمار می‌رود.

اما تروریسم دولتی به رژیم‌های توتالیتر محدود نمی‌شود. این امر توسط کشورهای دموکراتیک نیز علیه سایر مردمان انجام می‌شود، همان‌طور که زمانی نیروی هوایی دو دولت بریتانیا و آمریکا شهرهای آلمان و ژاپن را در جنگ جهانی دوم بمباران کردند. اکنون اما طبقه‌بندی یک کشور به عنوان تروریست مرسوم نیست و کاربرد واژه تروریسم فقط برای گروه‌ها و سازمان‌های مسلحی است که زیر پرچم یک دولت نیستند. تروریست خواندن این گروه‌ها به منافع و فشارهای سیاسی نیز وابسته است. گاه به گروهی تروریست گفته می‌شود و گاه نام آن از لیست تروریستی حذف می‌شود؛ درست مانند حوثی‌های یمن. گاه نیز عبارات دیگری جایگزین تروریسم دولتی شده است، مانند «دولت حامی تروریسم» یا حکومتی که «ناقص حقوق بشر» است یا «سیاست‌های خصمانه» دارد.

اما این بدان معنا نیست که دیگر تروریسم دولتی نداریم. بارزترین نمونه آن در حال حاضر همین کاری است که رژیم اشغالگر اسرائیلی از

د. معتز الخطیب یکی از اندیشمندان معاصر قطری است. او که دانش‌آموخته دانشگاه آردمان در سودان است، اکنون در مرکز پژوهش‌های اخلاق و حقوق اسلامی دانشگاه حمد بن خلیفه مشغول به فعالیت است. تمرکز پژوهشی الخطیب بر روش‌شناسی و فلسفه اخلاق است. از خطیب مقالات و آثار متعددی در موضوعات تطبیقی منتشر شده است. او در این یادداشت به سه مسئله مهم درباره حماس و اسرائیل پرداخته است.

+

جنگ غزه... بین مقاومت و تروریسم

پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ موضوع «تروریسم» به بخشی از بحث‌های فلسفی تبدیل شد که به دو سؤال اساسی و مرتبط می‌پرداخت: اولی پرسشی مفهومی است که به مفاهیم تروریسم و اجزای آن می‌پردازد و دومی پرسشی اخلاقی است که این پدیده را «تروریستی» می‌خواند و این پرسش را پیش می‌کشد که آیا می‌توان این اقدام را بر اساس یکی از کلان نظریه‌های اخلاق (مانند نتیجه‌گرایی یا منفعت‌گرایی) تجویز کرد یا خیر؟ به‌ویژه در برخی شرایط استثنایی که استفاده محدود از تروریسم تنها ابزار دستیابی به منافع عمومی مهم‌تر است، منافی مانند برپاساختن جامعه‌ای که در آن حقوق همگان